

شاید سوال شما هم باشد

سلام استاد بزرگوار
بفرمایید چطور وارد عالم زیبای شهدا بشیم...؟
سال هاست کتاب هاشون رو خوندم به زیارتشون رفتم و ازشون میدونم تا
حدودی
اما نه
انگار اینها راهش نبوده..
شما لطفا این جاده میان بر رو به ما معرفی بفرمایید ...

17:23

سلام

برای ورود به عالم شهدا یک "مسیر انحرافی" وجود داره که اتفاقا خیلی از
دغدغه مندان هم که از شهدا میگن و مینویسن هم سهوا همه رو به این
انحراف میبرن! و اون این هست که ما رو متوجه میکنن به "افعال" شهدا،
بعد میگن ببینید شهدا چه کارهایی کردن و شما هم انجام بدید! خوب
اینکه میشه "تقلید" و عقل به هیچ وجه اهل "تقلید" نیست و "الله تعالی" هم
در تعلیم اسماء، به انسان اسم تقلید رو نیاموخته! خودش هم اسم "یا
تقلید" نداره...

(اینکه میگن "مرجع تقلید" هم اشتباه هست، در حقیقت "مرجع تعلیم" داریم
چرا که ما ادای مرجع رو در نیامیزیم! بلکه از او تعلیم میبینیم امر خداوند
پیرامون "احکام" رو...)

مثلا میگن ببینید چطور لباس میپوشیدن، سر و روشون، واژگان و تیکه
کلام هاشون، خونه زندگیشون! و متاسفانه اسمش رو میزان سبک
زندگی شهدایی!!! نه سبک رو شناختن، نه زندگی رو، نه شهدا رو! این یک
بلیه ای هست که ما در همه ی موضوعات داریم که انسان های "سطحی
اندیش" موضوعات رو به انحراف میبرن...

آخه یکی هم نیست بگه مگه شهدا ادای شهدای زمان قبلشون رو درآوردن
که ما هم ادای شهدای قبلیمون رو دربیاریم!...

اما مسیر "معقول و درست" این هست که از طریق همون "کتب" و مطالب و
تعالیم پیرامون شهدا پی به "افکارشون" ببریم، یعنی اینکه اونها که والاترین
بندگان خدا بودن؛

جهان بینی شون چطور بود؟

چطور به مسایل نگاه می کردن؟

چه معرفتی کسب کرده بودن که همیشه با مسایل تلخ مواجه میشدن و
نمیریختن بهم و حساسی مراقب روحیه شون بودن؟

چطور دین و خدا و اهل بیت براشون "وجود" پیدا کرده، نه اینکه
صرفا "مفهوم" باشه و تو ذهن، بلکه وجود بود و در قلب، زنده ی زنده...
در مباحث مکتوب یا صوت های سایت به قدر بضاعت خیلی خیلی
کم خودم همیشه به این "راز عظیم" پرداختم، مثل یادداشت "قبل از
خودکشی"، "به خود آمدم"، "برادر بسیجی"، "جبهه ی تهران" و...
خلاصه از "افعالشون" پی به "افکارشون" ببرید و "تفکر" کنید و "تعلیم" ببینید
و زین پس آروم آروم همونطور "موحدانه و معقول" به عالم نگاه کنید...
جلسه "توحید و اسقاط" هم در اشارات، کمکتون میکنه.

